

درود به پی مرگان!

۲۷ مهرماه، ۸ و ۱۷ آبان ماه مصادف است با چهل و یکمین سالروز تیرباران سه گروه از افسران توده ای به دست رژیم جنایتکار شاه. در آن دوران شوم پس از پیروزی کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، رژیم جنایتکار و وابسته سلطنتی، وحشیانه از قهرمانان خلق، دلاوران و سرداران بی باک جبهه های نبرد برای آزادی، استقلال و رهایی ایران از بند استثمار و استعمار انتقام گرفت، تا خیال خود و اربابان امپریالیستی خود را از مدافعان راستین حقوق توده های کار و زحمت برای مدت ها

ادامه در صفحه ۲

لایحه «مجازات جرایم ضد امنیت ملی» ترفندی برای «قانونی» کردن تشدید اختناق و سرکوب

بر اساس گزارش روزنامه های مجاز، مجلس شورای اسلامی در جلسه چهارشنبه ۲۶ مهرماه خود، بخش های مهمی از لایحه «مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)» را به تصویب رساند. در ماده ۳ این لایحه آمده است: هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام به هر نحو تبلیغ نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. همچنین به موجب ماده ۱۶ این لایحه: هر کس به مقدمات اسلام اهانت کند به حبس از سه ماه تا دو سال یا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود. ماده ۱۷ این لایحه تصریح می کند که هر کس به خمینی و یا خامنه ای توهین کند، به حبس از ۶ ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. به موجب ماده ۱۸ این لایحه هر کس به جان رهبر و هریک از روسای قوای سه گانه و مراجع تقلید سوء قصد کند، چنانچه محارب شناخته نشود (!!) به حبس از سه سال تا ده سال محکوم خواهد شد. یکی از ماده های اساسی این لایحه، ماده ۸ آن است که تصریح می

ادامه در صفحه ۳



شماره ۴۶۶ ، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۱۶ آبان ماه ۱۳۷۴

حاکمیت زخم خورده در مقابل توده های خشمگین!

طنین زنگ های خطر انفجار اجتماعی که خود را در خواست رشد یابنده بخش های هرچه وسیع تری از جامعه برای رهایی از زنجیرهای اهریمنی ارتجاع به نمایش می گذارد، دلهره عمیقی را در دل سران جمهوری اسلامی آفریده است و حاکمیت خود را بیش از پیش به گوشه ای رانده شده احساس می کند و تنها راه چاره را در توسل به، سرکوب و خفقان هرچه وسیع تر توده های خشمگین جستجو می کند. تصور اینکه روزی فرا خواهد رسید که رژیم «ولایت فقیه» به سرنوشت سلف شاهنشاهی خود دچار شود، آنچنان برای سران رژیم غیر قابل تحمل و تصور است که امروز بدون کوچکترین ناراحتی وجدان نسبت به سرنوشت مردم و کشوری بزرگ، حاضرند به هر جنایت و ترفندی برای حفظ خود دست بزنند. دیگر آن روزهایی که رژیم مدعی بود، مخالفانش تنها گروه های کوچک «ضد انقلاب» هستند سپری شده است و امروز گام به گام صفوف فشرده توده ها از کارگران و زحمتکشان تا دانشجویان از مسلمان تا مسیحی و

ادامه در ص ۲

پاسخ حزب توده ایران به فراخوان حزب ملت ایران

شرایط ادامه حکومت استبدادی «ولایت فقیه» و در شرایطی که تمامی آزادی ها و حقوق دموکراتیک مردم میهن ما به خشن ترین و بی رحمانه ترین شکل ممکن زیر پا گذاشته می شود، نمی توان از سردمداران رژیم انتظار برگزاری «انتخابات آزاد» را داشت. ما با شما هم عقیده ایم که برگزاری «انتخابات آزاد» تنها در شرایطی ممکن است که احزاب و سازمان های سیاسی کشور آزاد باشند، و حقوق و آزادی های دموکراتیک محترم شمرده شود. سردمداران رژیم پنهان نمی کنند که «انتخابات» از دید آنان نه به منظور کسب «مشروعیت»، بلکه بیشتر به منظور کسب «مقبولیت» است.

به گمان ما در شرایطی که ایران بیش از پیش در بحران همه جانبه اقتصادی - اجتماعی فرومی رود، اتحاد عمل و تلاش مشترک همه نیروهایی که به آزادی، استقلال و استقرار عدالت اجتماعی در ایران

ادامه در ص ۷

دانشار حزب الله، - یا گروه های سازمان یافته ترور و اختناق
همسر دکتر سروش: ما امنیت جانی نداریم!
قانون مطبوعات کوچه بازاری
آینده به سوسیالیسم تعلق دارد

زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

حاکمیت زخم خورده ...

غیر مذهبی صف در صف مقابل رژیم قرار می گیرند و خواهان پایان یافتن استبداد عنان گسیخته و مردم ستیز هستند.

سران رژیم نگران از عاقبت کار، از یک سو دست ارگان های سرکوبگر را بیش از پیش برای آزار، اذیت و ارباب مخالفان باز گذارده اند و با تصویب قوانینی سیاه و سرکوبگرانه که روی قوانین رژیم ستم شاهی را سفید کرده است، محمل های «قانونی» کردن سرکوب و ترور دولتی را فراهم می آورند و از سوی دیگر به صفوف شکاف برداشته و در حال از هم پاشیدن نیروهایی که زمانی «نهضت بزرگ اسلامی» را تشکیل می دادند و رهبری انقلاب را به دست گرفتند هشدار می دهند که مهمترین وظیفه در شرایط کنونی نه دفاع از منافع مردم و کشور، بلکه دفاع از منافع کاستی روحانیت حاکم است. کمتر عرصه ای در جامعه را می توان یافت که ناآرام نباشد. در هفته های اخیر موجی از اعتراض های سراسری و وسیع دانشگاه های کشور را علیه تعدیلات و زورگویی «چماق داران» رژیم در برگرفته است و گردهمایی چند هزار نفری دانشگاه تهران آژیر خطری برای سران رژیم بود، که کاسه صبر افسار گوناگون مردم لبریز شده است و مردم حاضر به پذیرش زورگویی نیستند. حتی مراکز که زمانی از «ستون های محکم» دفاع از حاکمیت بودند، امروز به مخالفت برخاسته اند و نسبت به آینده هشدار می دهند. از جمله «دفتر تحکیم وحدت» در اعلامیه ای که روز یکشنبه ۳۰ مهرماه انتشار داد یادآور شد: «قانون اساسی کشور تضمین کننده حقوق ملت است ... چگونه می توان به مردمی بودن کسانی که در برابر قانون اساسی احساس تهدید نمی کنند و خود را ملزم به دفاع از آن نمی دانند، مطمئن بود ...؟ اگر چه وقایعی از قبیل تعرض به دانشگاه ها و مراکز علمی و فرهنگی جزو وقایع تأسف بار و غم انگیز حیات سیاسی و اجتماعی هر ملک و ملتی به حساب می آید و همیشه نسل های حال و آینده نسبت به اینگونه وقایع به حالت انزجار و تفر می نگرند، اما در شرایط کنونی تنها اظهار تأسف و تیری از سوی مردم و نهاد های علمی و فرهنگی در کنار سکوت با معنای مسئولین مملکتی کافی نمی باشد...». حتی انجمن اسلامی دانشجویی دانشگاه تهران در بیانیه خود ضمن اعتراض به اختناق حاکم می نویسد: «بدون شک دانشگاه امن ترین و مناسب ترین مکان برای تضارب افکار، بیان عقاید و آزادی آراء است. با کمال تأسف این امکان نیز از دانشجو و دانشگاهی سلب گردیده است... دانشجو باید شهامت دفاع از حقوق خود را داشته باشد و بر همین اساس ما آمادگی خود را برای شرکت در تجمع اعتراض آمیز امروز یکشنبه ۳۰ مهر ماه اعلام می کنیم...»

بر بستر اوج گیری چنین نارضایاتی هابی (حتی در میان افسار وسیعی از نیروهای مذهبی) است که مهدوی کنی، یکی از مهره های اساسی پشت پرده حاکمیت در گردهمایی ائمه جمعه تهران می گوید: «وظیفه شرعی خود می دانم از نظام جمهوری اسلامی دفاع کنم... من هرگز از جامعه روحانیت مبارز کناره گیری نکرده ام و هم اکنون در جلسه شورای مرکزی آن شرکت می کنم...» (روزنامه رسالت شنبه ۱۶ آبان ۷۴)

و جنتی دبیر شورای نگهبان و یکی از سردمداران گروه های چماق دار به شکل تهدید آمیزی می گوید: «زیر سؤال بردن اصول مسلم اسلام و انقلاب گناهی نابخشودنی است... نظام... اکنون اجازه نخواهد داد افرادی به بهانه آزادی بیان قانون اساسی کشور را تقض و ارزش های حاکم بر جامعه را (بخوان ارزش های بیمار گونه سران رژیم) را زیر سؤال ببرند...» (همانجا)

از مجموعه آنچه گفته شد، می توان نتیجه گرفت که سران رژیم جمهوری اسلامی تصمیم خود را برای ادامه نظام خودکامه به هر قیمتی اتخاذ کرده اند و تنها فشار و مقاومت متحد، یکپارچه توده های مردم است که توان برهم زدن نقش های شوم آنان را دارد.

سران رژیم در هفته های اخیر آشکارا اعلام کرده اند که مهمترین هدف های کوتاه مدت آنها، خفه کردن صداهای ناراضی در درون کشور و انجام یک «انتخابات» بی دردسرس است که از درون آن بتوانند یک مجلس یکدست و گوش به فرمان را بیرون آورند. در چنین شرایطی است که پاسخ مشترک تمامی نیروهای مترقی و تحریم نمایش «انتخابات» از سوی همه آزاداندیشان، خصوصاً در داخل کشور، مشت محکمی بر دهان یابوه گویانی است که دایماً از مردمی بودن و حمایت مردمی داشتن رژیم سخن می رانند. ما قبلاً گفته بودیم که دبیر یا زود نیروهای سیاسی کشو، خصوصاً نیروهای مذهبی دگر اندیش در مقابل یک انتخاب تاریخی قرار خواهند گرفت. دفاع از ادامه استبداد و یا ایستادن در مقابل این اختاپوس ضد مردمی که حیات کشور را به مخاطره جدی انداخته است. آن روز به سرعت فرا می رسد و در چنین شرایطی است که صفوف دوست و دشمن بیش از پیش روشن و زلال می گردد و نیروهای سیاسی کشور جای خود را در این کنکاش ها پیدا می کنند و صف خلق و ضد خلقی در مقابله شدید تری با یکدیگر قرار می گیرند. در این لحظات سرنوشت ساز و تاریخی ما بار دیگر همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور را چه مذهبی و چه غیر مذهبی به اتحاد عمل و مبارزه مشترک فرا می خوانیم.

دردن به بی مرگان

آسوده سازد.

رژیم شاه در این جنایات هولناک گروهی از بهترین فرزندان میهن ما و بخشی از برجسته ترین کادری ارتش ایران را قتل عام کرد تا مزدورانی چون زاهدی ها، مبصرها و ... ارتش وابسته به آمریکا را برای ایجاد و پاسداری از «جزیره ثبات» امپریالیسم پایه گذاری کنند.

دلاورانی همچون رفیق شهید سرهنک سیامک، سرهنک مبشری، سرهنک عزیزی، سرگرد عطارد، سرگرد وزیریان، سروان مدنی، سروان واعظ قائمی، سروان شفا، ستوان افراخته، شاعر انقلابی مرتضی کیوان، (گروه اول افسران)، سرگرد بهنیا، سروان بیانی، سروان کلای، سرگرد محبی، سروان کهلر، سروان مهدیان، (گروه دوم افسران)، سرهنک کاظم جمشیدی، سرهنک امیر افشار بکشلو، سرهنک محمد جلالی، سرگرد جعفر وکیلی و ستوان یکم محمد باقر واله (گروه سوم افسران) به دست دژخیمان شاه تیرباران شدند، ولی بذر زرین وطن دوستی، شهامت و رشادتی را که این دلاوران خلق در صفوف ارتش پاشیدند، در بهمن ۵۷ به ثمر نشست و رژیم ستم شاهی را برای همیشه به زیاله دان تاریخ سپرد. طنین پر شکوه مقاومت دلاورانه این قهرمانان اسطوره ای خلق از فراز شکنجه گاه ها و بیدادگاه های نظامی رژیم، شعله فروزانی شد که تا به امروز به نسل های مبارز راه می نماید و طریق پیکار را نشان می دهد.

«آدم وقتی قرار است بمیرد، چرا خوب و با شکوه نمیرد؟ ... راه همان است که ما می خواستیم طی کنیم...» (رفیق شهید سرهنک سیامک)

«من جز سعادت و خوشبختی ملت عزیز ایران هیچ سودا و آرزویی در سر نداشتم و در این راه کشته می شوم. این مرگ، مرگ شرافتمندانه است...» (رفیق شهید سرهنک مبشری)

«در بیرون خبرهایی هست. لایحه نفت باید به تصویب برسد. این لایحه قربانی هایی دارد. من هیچ از مرگ قریب الوقوع خود متأسف نیستم. زندگی ما در برابر آزادی و استقلال میهن عزیز ما هیچ ارزش ندارد...»

درد و زخم تازیانه چند روزی بیش نیست راز دار خلق اگر باشی همیشه زنده ای...» (رفیق شهید مرتضی کیوان)

«این خدا حافظی دسته جمعی شهیدان ملت در واپسین روز زندگی خودمان است. نخست درود آتشین ما را بپذیرید دیگر آنکه بدانید تا آخرین دم به خلق وفادار ماندیم...» (رفیق شهید سرگرد جعفر وکیلی)

«چشمان مرا نبندید! می خواهم در دم مرگ لرزش دست های دشمن را ببینم...» (رفیق شهید سرگرد هوشنگ وزیریان)

درد آتشین به این اسطوره های جاودانی خلق که با خون خود درخت آزادی و رهایی میهن را آبیاری کردند. درود به بی مرگان! راهشان پیروز و پرهرو باد!

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

«انصار حزب الله» - یا گروه های سازمان یافته ترور و اختناق؟

موافقت، تشویق و سازماندهی حکومت مداران است که چماق دارانی از این دست به خود اجازه می دهند چنین گستاخانه حقوق و آزادی های میلیون ها ایرانی را زیر پا بگذارند. برخورد شدید و رزمنده دانشجویان با این ترغند ها نشان داد که کاسه صبر توده ها کم کم لبریز می شود. برای روشن تر شدن برنامه های پلید مزدوران رژیم، توجه خوانندگان را به برنامه عملیاتی محرمانه «انصار حزب الله» که از تهران برای دفتر نامه مردم ارسال گردیده است جلب می کنیم. (در ستون چهارم منظور از کلمه «رپ» جوانانی هستند که به شکل غربی لباس می پوشند و موی سر خود را آرایش می کنند).

ندارد... انصار حزب الله پنج شنبه هر هفته مانورهای امر به معروف و نهی از منکر در مناطق مختلف تهران برگزار می کند...» (نقل قول ها روزنامه رسالت - پنجشنبه ۴ آبان ۱۳۷۴)

از این روشن تر نمی شود سیمای واقعی «حزب الله» و اکنون فرزند خلف آن «انصار حزب الله» را تصویر کرد. در جمهوری اسلامی امروز با

با بالا گرفتن موج اعتراض ها در مراکز دانشجویی کشور، حسین الله کرم، سخنگوی «انصار حزب الله» و یا به عبارت دیگر سخنگوی قداره پندان و چماق به دستان رژیم «ولایت فقیه»، در یک مصاحبه اختصاصی که در صفحه نخست روزنامه رسالت ارکان گروه حاکم انتشار یافت، از جمله گفت: «زیر سؤال بردن ارزش های اسلامی و انقلابی خلاف قانون اساسی است و انصار حزب الله به عنوان امران به معروف و ناهیان از منکر با شیوه های اصولی (منظور چماق داری است) با قانون شکنان برخورد خواهند کرد...» وی در ادامه همین مصاحبه اضافه کرد: «استوانه قانون اساسی ما اصل ولایت فقیه است و کسانی که این اصل را خدشه دار کنند و تفکر تفکیک دین از سیاست را در جامعه رواج دهند قانون را نقض کرده اند... ما سروش را دبیر کل یک حزب سیاسی می دانیم که با تفکر دینی مبارزه می کند...» و سرانجام در توضیح اینکه بالاخره «انصار حزب الله» دیگر چه معجونی است، حسین الله کرم به روشنی می گوید: «ما تشکل و گروه نیستیم، ما جمعی رزمنده هستیم که در جامعه علیه تظاهر فساد امر به معروف و نهی از منکر می کنیم... امر به معروف و نهی از منکر یک مکانیزم اصلاحی در جامعه است که انجام آن نیازی به کسب اجازه از کسی

ردیف	نام مانور	میدان	مقصد	هدف (هشدار به)	تاریخ حرکت	هواشم پایانی
۵	نامر الانه	باغ فردوس ولی عصر	میدان تجریش	بدحجاب	پنجشنبه - ۶ مهر ساعت ۴ بعد از ظهر	اذان جمعی و نماز مغرب و عشاء
۶	حزب الله (یا زهرا)	پارک دانشجو	میدان جهاد (مقابل وزارت کشور)	دفاع از ولایت	یکشنبه - ۱۶ مهر ساعت ۴ بعد از ظهر	اذان جمعی و نماز مغرب و عشاء + عزاداری و شب نهدت
۷	سپهین عقل (ع)	شهرک قدس (غرب)	بازارچه گلستان	رپ	پنجشنبه - ۲۷ مهر ساعت ۴ بعد از ظهر	اذان جمعی و نماز مغرب و عشاء
۸	شهید مصطفی خمینی	برج سفید خیابان پاسداران	میدان مادر (محمستی)	مرفهین بی درد	پنجشنبه - ۴ آبان ساعت ۴/۵ بعد از ظهر	اذان جمعی و نماز مغرب و عشاء
۹	محررم	درب شمالی پارک شهر	درب جنوب پارک شهر (مقابل شهرداری)	فرهنگسراة موسیقی + پارکها	پنجشنبه - ۱۱ آبان ساعت ۴/۵ بعد از ظهر	نماز جماعت و زیارت عاشورا در مراسم شهدا
۱۰	فتح	اوین درکه	کوه درکه	رپ + مفاسد کوه	پنجشنبه - ۱۲ آبان ساعت ۲ بعد از ظهر	اذان جمعی و نماز مغرب و عشاء
۱۱	راهپیمایی بزرگ حزب الله تهران					
۱۲	نصر	میدان ونک	شمال بزرگراه الریقا (چردن)	بدحجاب + مرفهین بی درد	۲۰ جمادی الثانی (تولد حضرت زهرا) سه شنبه ۲۳ آبان	برنامه ها و مسیر نامتناهی به اطلاع خواهد رسید

استبدادی برای سال ها، میهن ما را تهدید می کند.

در ماه های اخیر، مقابله یکپارچه همه نیروهای آزادی خواه و دگر اندیش چه در داخل و چه در خارج از کشور با لایحه «مطبوعات» و در پی آن عقب نشینی سران رژیم نشان داد که می توان با مبارزه و تلاش مشترک، استبداد را به عقب نشینی وادار کرد. امروز نیز مقابله با این لایحه ضد ملی و ضد مردمی از جمله وظایف مهم و تأخیر ناپذیر همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور است. نباید اجازه داد سران رژیم «ولایت فقیه»، آرام و بی سروصدا، گام مهمی را در راه تحکیم پایه های اختناق و ترور دولتی بردارند.

شرایط کشور هر روز بیش از پیش نشانه های انفجاری و خطرناکی را به خود می گیرد. بی شک با نزدیک تر شدن زمان انتخابات، می بایست منتظر تحولات هرچه حادثتر و پرتنش تری در جامعه بود. زمان را می بایست دریافت و با مبارزه مشترک و متحد ترغندهای ارتجاع حاکم را با شکست روبرو ساخت.

کشور و ... بازداشت، «تمزیر» (شکنجه) و برای مدتهای طولانی زندانی کنند.

همانگ بودن زمان تصویب این لایحه با آماده شدن رژیم برای برگزاری «انتخابات» آینده مجلس، نیز در عین حال نشانگر تلاش های گروه حاکم برای ارباب گروه های مخالف و جلوگیری از شرکت آنها در «انتخابات» و احياناً افشاگری هایی است که می تواند بیش از پیش به رژیم لطمه بزند.

حزب توده ایران، هفته ها است که پیرامون مقاصد شوم رژیم برای تشدید هرچه بیشتر و سیستماتیک اختناق هشدار داده است و همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور را به اتحاد عمل برای مقابله با این نیت پلید و ضد ملی فراخوانده است.

اکنون دیگر روشن است که رژیم برای حفظ خود در مقابل اکثریت وسیع و معترض شهروندان کشور و در شرایط تشدید بحران سیاسی درونی، و تعمیق بحران اجتماعی - اقتصادی، راهی جز تشدید حلقه اختناق نمی بیند و در صورتی که این تلاش های سازمان یافته رژیم با مقاومت سازمان یافته توده ها و نیروهای مترقی و آزادی خواه روبرو نگردد، خطر تبسیت یک حکومت بیش از پیش سرکوبگر و

لایحه مجازات جوایم ...

کند: «هر کس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعاتی را بخواد در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از ۲ سال تا ۱۰ سال و در غیر این صورت به حبس از ۱ سال تا ۵ سال محکوم می شود...» مواد دیگر این لایحه نیز موارد متعدد دیگری از «برهم زدن امنیت کشور» را بر می شمرد و برای «مجرمین» زندان های طولیل مدت از ۲ تا ۱۵ سال در نظر می گیرد.

تصویب این لایحه از سوی مجلس شورای اسلامی بی شک گام مهم و آشکاری برای «قانونی» کردن سرکوب، ترور و اختناق است. در شرایطی که موج اعتراض های مردمی از محیط های کارگری تا مراکز دانشجویی کشور را فرا گرفته است، این اقدام رژیم را می بایست به مثابه بخشی از برنامه ریزی سراسری برای تشدید سرکوب و خفقان ارزیابی کرد.

بر اساس مواد مبهم و کلی این لایحه ارگان های امنیتی رژیم می توانند با دست های بازتر، هر دگر اندیشی را (چه مذهبی و چه غیر مذهبی) به جرم توهین به سران رژیم، برهم زدن امنیت

نظام اسلامی بی نقاب:

گروه انصار حزب الله که به ماموریت اختناق گستری و سرکوب در دانشگاه ها گمارده شده است، در اعلامیه ای که اخیراً منتشر کرد ضمن نفی قانون و اعتراف به نبود آن در سراسر دوران حاکمیت رژیم، وجود مفاسد اقتصادی و سیاسی، و رشوه و فساد اداری و مالی در حکومت اسلامی را تأیید کرد.

از خواننده ای در ستون «آلو سلام» روزنامه «سلام» چنین آمده است: «چطور ممکن است یک کودک ۱۲ ساله به اتهام دزدیدن ۴ عدد جوجه زندانی شود اما مدیر عامل اسبق دخانیات که متهم به میلیون ها دلار اختلاس است، آزاد می باشد و در خانه نمایندگان مجلس رفت و آمد می کند. بنده حاضر هستم که شهادت بدهم ایشان را در منزل کدامیک از نمایندگان دیده ام» (روزنامه «سلام»، ۲۶ مهر).

خواننده ای نیز می نویسد: «می خواستم بپرسم چرا بعضی ها با خرج بیت المال به سفرهای تبلیغاتی می پردازند؟ آیا این اسراف نیست؟ شاید بگویند این سفرها تبلیغاتی نیست ولی اگر نظر مردم را بخواهید برداشت عمومی این است که این سفرها تبلیغاتی است...»

خواننده دیگری در پی این پرسش که «چرا فرزندان بعضی از مسوولان که در بهترین دانشگاه های کشور تحصیل می کنند، وسیله نقلیه آنها بنز یا پاترول است؟» نوشت: «مبارزه با تجمل گرایی باید از سوی مسوولان صورت پذیرد و گرنه اکثر مردم اصلاً قدرت خرید این چنین اتومبیل هایی را ندارند» (روزنامه «سلام»، ۲۴ مهر).

آزادی عقیده، به ادعای مسوولان، و واقعیت به گواهی مقام ها و رسانه ها:

خواننده ای به روزنامه «سلام» نوشت: «بارها رئیس قوه قضاییه و دیگر مسوولین گفته اند که همه مردم آزادند که هر عقیده ای داشته باشند. شما این اصل را کنار سخنان آقای موحدی ساوجی در دانشگاه امیر کبیر بگذارید که نماینده مجلس در کمیسیون احزاب هستند و قضاوت کنید که رای ایشان و امثال ایشان چگونه است؟ و در عمل چه تاثیری خواهد داشت؟ بخشی از سخنان ایشان که عیناً از روزنامه «رسالت» مورخ ۷/۲۳/۷۴ نقل شده به این شرح است: «نباید این تصور ایجاد شود که جمهوری اسلامی ایران شرایطی ایجاد می کند که هرکس هر حرفی که دلش خواست بزند، ولی هیچکس به آن پاسخ ندهد».

روزنامه «سلام» در پاسخ خواننده نوشت: «البته آنچه آقای موحدی گفته اند صحیح است و اختصاص به جمهوری اسلامی هم ندارد که هرکس هر مطلبی بگوید دیگران هم پاسخ آن را ندهند. لیکن این سخنان آقای موحدی پس از ماجرای دانشکده فنی در دانشگاه تهران و در رابطه با هجوم به جلسه سخنرانی آقای دکتر سروش ایراد شده است و معنای پاسخ دادن به هر کس این است که بریزند و او را مورد ضرب و جرح قرار دهند و اگر کشته نشد خیلی هم باید ممنون



باشد...» (روزنامه «سلام»، ۲۶ مهرماه ۷۴).

علی محمد بشارتی از رعایت اصل بی طرفی در انتخابات سخن می گوید:

بشارتی، وزیر کشور حکومت اسلامی، در جمع معاونان و مدیران ستادی وزارت کشور رعایت قوانین و مقررات و اصل «بی طرفی» در انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی را مورد تأکید قرار داد. (سرویس خبر- داخلی روزنامه «سلام»، شماره روز ۲۴ مهر ۷۴).

با توجه به اخبار مربوط به تظاهرات و اقدامات سرکوبگرانه بی قید و مانع اخیر انصار حزب الله که در آستانه انتخابات، از سوی منابع خبری داخلی و خارجی انتشار یافت، این سخن وزیر کشور حکومت اسلامی که «برپایی هرگونه اجتماع، راه پیمایی و تظاهرات منوط به کسب مجوز وزارت کشور است»، در پی تأکید قبلی وی بر «اصل بی طرفی» مفهوم خاصی پیدا می کند.

خواننده ای، با توجه به سیاست و روش شناخته شده حکومت اسلامی، از جمله وزارت کشور آن، به روزنامه «سلام» می نویسد: «در شرایطی که استانداران، فرمانداران و بخشداران استان... حتی به طور آشکار از کاندیداهای خاص دفاع و برای آنان تبلیغ می کنند آیا آمیدی به برگزاری انتخابات سالم و «بی طرف» هست؟». و سلام پاسخ می دهد: «بهر حال صدها مورد تعویض پست در وزارت کشور... باید آثاری داشته باشد، در غیر این صورت، رضایت نمایندگان را چگونه می شود جلب کرد؟» (روزنامه «سلام»، ۲۶ مهر).

بهبود شاخص تغذیه، افزایش عرضه مواد غذایی... و غون کفایی محصولات غذایی... ایران، بزرگترین کشور صادر کننده مواد غذایی...

هاشمی رفسنجانی به مناسبت «روز جهانی غذا» از «بهبود شاخص تغذیه و افزایش عرضه مواد غذایی در ایران» سخن گفت و آن را مرهون «تلاش کلیه بخش های اقتصادی» و به ویژه «ظرفیت سازی ساختار تولید در بخش کشاورزی طی برنامه اول» دانست. وی همچنین مدعی شد که «رشد مثبت و مستمر این بخش نه تنها موجب تامین قسمت مهمی از مواد غذایی مورد نیاز جمعیت کشور شده بل که در جهت کاهش

وابستگی و افزایش خود کفایی محصولات موثر واقع شده است» (روزنامه «سلام»، شماره ۲۵ مهر ۷۴).

وی جای دیگر، ضمن بیان مطالبی که پاسخ تلویحی به انتقادهای فزاینده از روحانیت حاکم و تأکید بر شکست آن در اداره امور کشور به نظر می آمد، گفت: «روحانیون باید اداره امور را همچنان در دست داشته باشند و عقب نشینی نکنند». رئیس جمهور حکومت اسلامی، با استناد بر اینکه «رهبر و روسای سه قوه روحانی هستند» گفت: «حق نیست که مدیریت کشور را از روحانیت جدا کنیم». وی سپس از «دست آوردهای انقلاب» سخن گفت و ابراز عقیده کرد که «دنیا فهمیده که تز جدایی دین از سیاست شکست خورده است». او رژیم را موفق دانست و گفت: «احتیاج اصولی به هیچ دولتی نداریم». رفسنجانی در پایان وعده داد که «ایران تا چند سال دیگر به بزرگترین کشور صادر کننده محصولات غذایی بدل خواهد شد».

وضع اقتصادی ایران - «عالی» یا «خراب»؟

به گزارش منابع خبری، رفسنجانی یک روز گفت: «صادرات غیر نفتی ایران از مرز ۲۰ میلیارد دلار نیز گذشته است». لیکن، عسکر اولادی، نایب رئیس اتاق بازرگانی، بی درنگ اعلام کرد که صادرات غیر نفتی ایران ۳۵٪ تنزل کرده است و امسال از ۲ میلیارد دلار تجاوز نخواهد کرد».

چندی بعد، خاموشی، رئیس اتاق بازرگانی، هشدار داد که اگر دولت در سیاست ارزی خود تجدید نظر نکند و واردات و صادرات کشور به صورت قاچاق، مخفی و خارج از نظارت دولت انجام خواهد گرفت. محسن ثوربخش می گوید: «ثبات اقتصادی ایران، محرک رقابت میان بانک های خارجی برای پرداخت وام شده است».

محسن ثوربخش، رئیس بانک مرکزی حکومت اسلامی، پس از بازگشت از اجلاس بانک جهانی در واشنگتن، اعلام کرد: وضع اقتصادی ایران بسیار روشن است و گواه آن ابراز رضایت روسای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول. وی همچنین گفت: ثبات اقتصادی ایران باعث رقابت میان بانک ها برای پرداخت وام شده است».

معاون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در امور شمال آفریقا و خاور میانه از وضع اقتصادی خطرناک ایران سخن می گوید:

چند روز پس از این ابراز خوش بینی، کوچ لوفر، بلند پایه ترین مقام بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، وضع ایران را بسیار خراب و گریه آور توصیف کرد. وی که در یک کنفرانس خبری در پاریس سخن می گفت، اعلام کرد: «چشم اندازی برای اقتصاد ایران وجود ندارد و وضع اقتصادی این کشور مایه نگرانی صندوق بین المللی پول است». او همچنین گفت: «نظریات کارشناسان، از اوضاع اقتصادی ایران چهره گریه آوری ترسیم می کند که مایه نگرانی است». کوچ لوفر، سپس ضمن اعلام اینکه «ثبات اقتصادی ایران بیش از این دست خوش نا به سامانی خواهد شد»، گفت: «مهمترین بحران، مربوط به نوسان های ارزی خواهد بود که بر واردات و صادرات کشور اثر می گذارد».



آلمان

حزب سوسیالیسم دموکراتیک (PDS) با تصاحب ۲۴ کرسی در انتخابات سنای برلین که در اوایل آبان ماه انجام گرفت پیروزی با اهمیتی کسب کرد. PDS که در انتخابات قبلی در ۱۹۹۰ فقط ۹/۲ درصد کل آرا را بدست آورده بود با افزودن ۵/۴ درصد به سهم خود، تعداد کرسی های خود را از ۲۳ به ۲۴ افزایش داد. حزب کمونیست سابق آلمان دموکراتیک در نیمه غربی برلین در ناحیه کروتسبرگ فقط به ۲ درصد رای نیاز داشت که به اولین کرسی در خارج از محدوده آلمان دموکراتیک سابق دست یابد.

در شرق برلین حزب سوسیالیسم دموکراتیک با کسب ۳۶/۳ درصد آرا در ۹ منطقه از ۱۱ منطقه پیروز شد و عملاً نقش خود را به عنوان قدرتمندترین حزب در پایتخت سابق آلمان دموکراتیک ثابت کرد. حزب دموکرات مسیحی هلموت کهل و سوسیال دموکرات ها SPD که در پنج ساله گذشته با ائتلاف خود کنترل سیاسی برلین را در دست داشته اند، هر دو رای کمتری آوردند. حزب دموکرات مسیحی در مقایسه با سال ۱۹۹۰، ۳ درصد آرا خود را از دست داد و تعداد کرسی هایش از ۱۰۱ به ۸۷ تقلیل یافت و سوسیال دموکرات ها ۶/۸ درصد کاهش یافت و در مقایسه با ۷۶ کرسی سال ۱۹۹۰ فقط ۵۵ کرسی عاید SPD کرد.

انتخابات همچنین پیروزی بزرگی برای سبزها بود که با افزایش آرا خود و کسب ۱۳/۲ درصد آرا تعداد کرسی های خود را از ۱۲ به ۳۰ افزایش داد. تعداد آرا حزب دموکرات آزاد، متلف دولت هلموت کهل ۷/۱ درصد کاهش یافت و این حزب با ۲/۵ درصد آرا همه ۱۸ کرسی سابق خود را از دست داد.

گرچه یک ائتلاف چپ-میانه کمونیست های سابق، سوسیال دموکرات ها و سبزها می تواند اکثریت و کنترل سنای برلین را به دست به گیرد ولی اندیشه های ضد کمونیستی کهنه و دیرپای SPD محتملاً منجر به یک «ائتلاف بزرگ» خواهد شد.

ژاپن

تظاهرات بزرگ مردم در اوکیناوا علیه حضور پایگاه های نظامی آمریکا، دولت ژاپن را با یک بحران عمده مواجه کرده است. تعداد وسیع و دور از انتظار تظاهرکنندگان وزرای دولت تومیچی موراباما را مجبور کرد که علی رغم خواست خود برخی جوانب قرارهای امنیتی ژاپن با ایالات متحده را مورد تجدید نظر قرار دهد.

بیش از ۸۵ هزار نفر در تظاهرات جزیره اوکیناوا در اعتراض و محکومیت تجاوز به یک دختر ۱۲ ساله توسط پرسنل نظامی ایالات متحده راهپیمایی کردند. تظاهرکنندگان شعار می دادند «آمریکایی به خانه ات برگرد» و نیروهای آمریکایی را متهم کردند که «ذهنیت یک نیروی اشغالگر» را دارند. سیصد تظاهرکننده دیگر در یک گروهی اعتراضی در مدخل یکی از محوطه های نظامی که بطور فزاینده ای سطح جزیره اوکیناوا را می پوشاند شرکت کردند. تظاهرات علیه پایگاه های آمریکا که درست یک ماه قبل از دیدار نخست وزیر ژاپن و رئیس جمهور آمریکا، بیل کلینتون، انجام می گیرد، دولت ژاپن را نگران کرده است.

دیگر در ادامه کارزار اعتراضی ۱۸ مهرماه به مورد اجرا گذاشته شود.

کانادا

نتیجه رفراندوم روز ۸ آبان ماه در مورد حق حاکمیت کبک، گرچه در وضع سابق این منطقه فرانسوی زبان تغییری ایجاد نمی کند، لیکن کمکی هم به حل بحران عمیق سرمایه داری کانادا نخواهد کرد. طرفداران استقلال کبک که ۴۹/۴ درصد آرا را به خود اختصاص دادند و فقط با اختلاف ۱/۲ درصد آرا از حصول هدف خود باز ماندند، حقانیت دولت مرکزی کانادا را برای ادامه اعمال حاکمیت خود به طور جدی مورد سؤال قرار داده اند. در کبک و دار مبارزه داغ تبلیغاتی طرفداران و مخالفان استقلال کبک، حزب کمونیست کانادا در تحلیل همه جانبه ای خواستار توجه به مسایل مهمی گردید که در بحبوحه جنگ تبلیغاتی از نظرها دور مانده است. در این تحلیل از جمله گفته می شود: «مردم کبک محق هستند که در مورد آینده خود در چارچوب مرزهای کنونی از طریق یک رای گیری دموکراتیک تصمیم بگیرند. کبک فراتر از یک استان است. ملتی با زبان و قلمرو واحد و صاحب یک تاریخ و فرهنگ خود ویژه است. انتخاب آن ها باید محترم شمرده شود. نباید هیچگونه تهدید و یا خشونت متوجه کبک شود. ولی به نظر ما این رفراندوم بحران را در جهت منافع مردم زحمتکش حل نمی کند. سرکردگان طرفدار استقلال رهبران جدایی طلب طرفدار سرمایه داری هستند که امیدوارند معامله خود را با ایالات متحده آمریکا بدون توجه به منافع مردم زحمتکش کبک انجام دهند. یک رای آری، که منجر به جدایی بشود، دست یابی به یک راه حل واقعی دموکراتیک را مشکل تر خواهد کرد و نیروهایی را که خواهان چند پاره شدن کانادا هستند تقویت خواهد کرد و راه را برای بلعیدن کانادا و منجمله کبک، خواهد گشود. این گونه چندپارگی کانادا فاجعه ای برای مردم زحمتکش خواهد بود. از سوی دیگر این فقط کافی نیست که «نه» بگوییم زیرا، این حالت وضعیت فعلی را دست نخورده باقی خواهد گذاشت، که ما با آن موافق نیستیم. در خارج از کبک طرفداران رای منفی همان مخالفان سرسخت حق کبک به خودمختاری و نیز حقوق مردم بومی هستند. همین نیروهای طرفدار سرمایه داری و احزاب راست حق حاکمیت کانادا را تحت قرارداد نفتا بریاد دادند. بدون یک جنبش خواستار تغییر واقعی و دموکراتیک قانون اساسی، یک رای «نه» فقط بحران را به عقب می اندازد و عمیق تر می کند. این یک انتخاب نیست. در عین حال یک آلترناتیو دیگر هم وجود دارد. بسیاری از مردم کانادا به یک طریق برون رفت دموکراتیک از مشکل موجود معتقدند. به نظر ما راه حل، یک اشتراک داوطلبانه و برابر حقوق بین کبک و بخش انگلیسی زبان کانادا است. مردم زحمتکش و سازمان های ما باید در این بحث حیاتی رهبری را بدست بگیرند. به این دلیل است که حزب ما فراخوان اضطراری «یک انتخاب مردمی» برای یک مجلس موسسان دموکراتیک را تجدید می کند... چنین پروسه ای می تواند برخی از اختیاراتی را که در حال حاضر در دست کمپانی های بزرگ است به مردم زحمتکش بازگرداند.»

ایالات متحده و ژاپن خواستار هیچگونه تغییر اساسی در موافقتنامه ۱۹۶۲ که بر اساس آن ۴۵,۰۰۰ سرباز آمریکایی در ژاپن مستقر هستند، نمی باشند. لیکن، حادثه تجاوز به یک دختر ژاپنی آتش عصبانیت توده ای در مورد حضور نیروهای آمریکایی دامن زده است و ممکن است دولت ژاپن را وادار به انجام برخی تغییرات کند.

فرانسه

میلیون ها نفر از مردم زحمتکش و کارگران فرانسه در روز ۱۸ مهرماه به فراخوان اتحادیه های کارگری پاسخ مثبت دادند و در خیابان های سراسر کشور به تظاهرات برخاستند. این بزرگ ترین غایش قدرت طبقه کارگر فرانسه در ۱۰ ساله گذشته محسوب می شود و دوباره خاطره فعالیت توده ای کارگران در مبارزات بزرگ و مشابه سال های ۱۹۷۷ و ۱۹۸۶ را زنده می کند. اعتصاب وسیع کارگران، حرکت قطارهای سریع السیر و نیز سیستم حمل و نقل در بسیاری از شهرهای بزرگ را مختل کرد و به لغو برخی پروازهای داخلی و تعطیل چندین فرودگاه منطقه ای انجامید. مدارس، پست، ادارات دولتی و خدمات برق و گاز اکثراً تعطیل بودند.

اعتصاب یک روزه و تظاهرات با اشتراک عمل بی سابقه ۷ اتحادیه کارگری و سندیکایی که در بخش عمومی و دولتی عضو دارند تحقق یافت. احزاب کمونیست و سوسیالیست که در اپوزیسیون هستند از اعتصاب حمایت کردند. خواست های اصلی اعتصابیون مبارزه علیه انجماد دستمزدها، دستبرد به حقوق بازنشستگان و کاهش شدید بخش خدمات دولتی بود. اتحادیه های کارگری پس از اینکه وزیر خدمات دولتی در اوایل مهرماه اعلام کرد که در سال ۱۹۹۶ هیچ افزایش حقوقی «مطرح نخواهد بود» کار سازماندهی برای این اعتراضات را آغاز کردند. جالب این است که در سال ۱۹۸۶ نیز که طبقه کارگر در چنین وسعتی به اعتراض و حرکات اعتصابی پرداخت ژاک شیراک (رئیس جمهور فعلی)، سمت نخست وزیری را به عهده داشت.

به عقیده اتحادیه های کارگری، کارگران بخش دولتی و عمومی از ۱۹۸۲ به بعد ۱۰ درصد از قدرت خرید خود را از دست داده اند. در نشست هفت اتحادیه کارگری در روز ۲۸ مهرماه موافقت شد که «اگر دولت خواست های آن ها را نپذیرد و به ویژه برنامه انجماد حقوق ها را برای سال ۱۹۹۶ پس نکیرد» یک سری اقدام های

گزارشی هابی از همبستگی بین المللی با مبارزات قهرمانانه مردم ایران

در ۱۲۷ - مین کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا

۱۲۷- مین اجلاس سالانه کنگره اتحادیه های کارگری انگلیس (TUC) در ماه سپتامبر در شهرهای برایتون انگلیس برگزار شد. نمایندگان نزدیک به ۷ میلیون اعضای اتحادیه های کارگری در بحث های خود مسایل گوناگونی را از تاثیر اتحادیه اروپا بر روی شرایط کاری آنان تا حداقل حقوق قانونی و حقوق زنان کارگر را مورد مذاقه و در مورد آنها تصمیم گیری کردند. یکی از موضوع های مهم مورد بحث در کنگره پیوندهای ارگانیک TUC با حزب کارگر است. این بحث از آنجایی که کمتر از دو سال به برگزاری انتخابات در بریتانیا باقی مانده است، اهمیت ویژه ای می یابد. تحلیل گران سیاسی بر این عقیده اند که در انتخابات آینده، حزب کارگر به احتمال قوی پیروز و کنترل دولت را به دست خواهد گرفت، لذا این کنفرانس TUC از جهت تعیین سیاست هایی که منافع و خواسته های طبقه کارگر را در بر داشته باشد و در جهت گیری سیاستگذاری دولت آتی حزب کارگر موثر باشد، فرصتی استثنایی بود.

نمایندگان کنگره در بحث های اصلی خود مسایل تعیین حداقل قانونی دستمزد برای کارگران تمامی کشور، اشتغال کامل و قوانین اشتغال و حقوق اتحادیه های کارگری در قبال قانون را مورد بررسی قرار دادند.

در مهمترین و داغ ترین بحث کنفرانس رهبران جنبش کارگری انگلیس یکی از اصلی ترین وظایف دولت آتی حزب کارگر را تعیین حداقل دستمزد قانونی دانستند، گرچه وظیفه تعیین این حداقل به کمیسونی در آینده واگذار شد ولیکن نقطه نظر غالب به تعیین ۵۰٪ میانگین حقوق کارگران مرد در کشور به عنوان حداقل دستمزد دلالت داشت. در بحث پیرامون قوانین اشتغال، موضع حزب کارگر در مورد قوانین ضد اتحادیه های کارگری در ۱۶ ساله گذشته زیر ذره بین قرار گرفت. یکی از قطعنامه های این بحث مکانیزم نمایندگی کارگران در کارگاه ها را تعریف کرد و ضمن تعیین حد نصاب هابی برای نمایندگی و پخش اطلاعات و مشورت، تصویب کرد در صورتی که ۵۰٪ کارگران یک کارگاه عضو یک اتحادیه باشند، کارفرما موظف است آن اتحادیه را به رسمیت بشناسد و در مورد حقوق و شرایط کاری همه کارگران آن کارگاه با آن اتحادیه مذاکرات رسمی داشته باشد.

نمایندگان کنفرانس، همچنین، فعالیت شورای عمومی TUC را مورد بررسی قرار دادند و به استثنای گزارش فعالیت و عملکرد رهبری TUC در مورد کوبا، بقیه قسمت های آن را به تصویب رساندند. گزارش فعالیت شورای

عمومی شامل بخشی در مورد حقوق بشر و اتحادیه های کارگری ایران بود که به تصویب رسید. نمایندگان کنگره با انتقاد از موضع رهبری TUC که مساله تحریم کوبای انقلابی را بطور موزیانه ای با نقض حقوق سندیکایی ادعایی مخالفان سوسیالیسم در کوبا مربوط کرده بود، تمامی بخش گزارش در رابطه با آمریکای لاتین را رد کردند و خواستار تصحیح آن گردیدند. تونی بلر، رهبر حزب کارگر و اکثر رهبران درجه یک حزب کارگر در کنفرانس حضور داشته و در جلسات حاشیه ای کنفرانس سخنرانی کردند.

نمایندگی کمیته دفاع از حقوق مردم ایران نیز در کنفرانس حضور داشت و فعالیت های چندی را در مورد توضیح وضعیت کارگران ایران و ادامه نقض حقوق بشر در ایران برای نمایندگان کنگره سازمان داد. به تمامی نمایندگان کنگره یک نسخه نشریه «ایران امروز» که آخرین اطلاعات و تحلیل ها را در مورد جنبش همبستگی با مردم ایران داشت، داده شد.

از گزارش شورای عمومی کنگره

اتحادیه های کارگری به کنفرانس کنگره

اتحادیه های کارگری در سال ۱۹۹۵ که

به تصویب رسید

«کنگره اتحادیه های کارگری قطعنامه مصوبه سال ۱۹۹۴ را که در آن کنگره نگرانی عمیق خود را در مورد سرکوب شدید اعتراضات مردم زحمتکش در ایران علیه تضییق حقوق بشر در اشتغال و تجاوز به استانداردهای زندگی شان ابراز داشته بود، با دولت های ایران و انگلیس مطرح کرد. در پاسخ، یکی از وزرای دولت در وزارت خارجه اعلام کرد که دولت انگلیس مسایل حقوق بشر در ایران را دائماً زیر نظر دارد و در مورد گزارش های سرکوب به مقامات ایران مراجعه کرده است. کنگره اتحادیه های کارگری همچنین قطعنامه فوق را با کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد که گزارشات در مورد تبعیض زنان و دیگر تضییقات را با کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل مطرح کرده است، در میان گذاشت.

... کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد در صدد است که شواهدی را برای محکوم کردن رژیم به جرم نقض کنوانسیون سازمان بین المللی کار در مورد آزادی تشکل جمع آوری کند...»

مرگ مشکوک یکی از ۱۳۴

نویسنده معترض

به رژیم «ولایت فقیه»

بر اساس گزارش منابع خبری، جسد احمد میر علایی، یکی از امضا کنندگان نامه اعتراضی ۱۳۴ نویسنده ایرانی، به طور ناگهانی و مشکوکی در یکی از خیابان های مرکز شهر اصفهان پیدا شد. در اطلاعیه ای که از سوی حزب ملت ایران در این مورد انتشار یافت از جمله آمده است: «به موجب خبرهای رسیده آقای میر علایی صبح روز سه شنبه دوم آبان ماه از منزل خود خارج و ناپدید می گردد، ساعت هفت و سی دقیقه عصر همان روز جسد وی در یکی از خیابان های مرکز شهر اصفهان به وسیله رهگذران پیدا می شود و ماموران رژیم به خانواده آقای میر علایی می گویند که او بر اثر سکت قلبی در گذشته است... گزارش های رسیده از اصفهان حکایت از آن دارد که خبر مرگ دخترش آقای میر علایی موجی از خشم در میان ساکنان اصفهان پدید آورده است. به ویژه آنکه به گفته نزدیکان وی پزشکی قانونی اصفهان تأیید نموده بر روی بازوی آقای میر علایی اثر تزییق يك سرنگ دیده می شود.»

ترور و نابودی فیزیکی مخالفین، یکی از شیوه های رایج برخورد حکومت جمهوری اسلامی با مخالفان سیاسی و دگر اندیشان است. از اعدام هزاران مبارز راه آزادی، متفکر، اندیشمند، نویسنده و مترجم همگی بخشی از يك کابوس واحد است که امروز زندگی را بر میلیون ها ایرانی تیره و تار کرده است و در آن هیچکس هیچ گونه امنیتی ندارد

همسر دکتر سروش:

ما امنیت جانی نداریم!

با تشدید فشار سران رژیم بر دکتر سروش و هواداران او، همسر دکتر سروش ضمن تماس تلفنی با روزنامه «سلام» اعلام کرد که خانواده دکتر سروش امنیت جانی ندارد. در متن گفتگوی تلفنی همسر دکتر سروش که در روزنامه «سلام» ۸ آبان ماه درج شده، از جمله آمده است: «چندی قبل در بعضی از روزنامه ها خواندم که گروه انصار حزب الله قصد تحمصن در مقابل خانه دکتر سروش را دارند. من معنی این تحمصن و عواقب آن را می دانم... مسلماً معنی تحمصن آنها... مترداف با سلب امنیت از من و خانواده ام می باشد. اگر چنین اتفاقی بیفتد من به همراه فرزندانم به یکی از مساجد شهر می رویم و اعتصاب غذا می کنیم تا مسوولین امنیت جانی ما را تضمین کنند... آخر این ها چکار به زن و بچه آقای سروش دارند؟...»

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این تعرض ها به حقوق و آزادی های فردی و دموکراتیک شهروندان ایرانی همه نیروهای آزادی خواه را به اعتراض یکپارچه علیه این اعمال سرکوبگرانه فرا می خواند.

آینده به سوسیالیسم...

قانون مطبوعات کوچه بازاری!

دارد. با پیروزی انقلاب اکتبر نقش فزاینده عامل ذهنی در مبارزه انقلابی آشکار شد. برای اولین بار در تاریخ بشریت، رشد و گسترش يك کشور می بایست با فعالیت سازنده و آگاهانه میلیون ها مردم زیر رهبری حزب بلشویک ها صورت پذیرد.

و آنچه که در ارزیابی روند طی شده و عقب نشینی های دردناک سال های اخیر باید مورد نظر قرار گیرد این است که تا چه حد عنصر سازندگی و آگاهانه بودن این حرکت در حدی که مورد نیاز روند بفرنج ساختمان سوسیالیسم بوده است از سوی جنبش جهانی مورد توجه قرار گرفته است.

هیچ مبارز معتقد به سوسیالیسم نمی تواند انکار کند که انقلاب اکتبر و انقلابات سوسیالیستی متعاقب آن و مبارزات جنبش های رهایی بخش ملی، تمدن بشری را از محتوایی غنی تر بهره مند ساخته است و برای اکثریت مردم زحمتکش در بسیاری از کشورها امکان يك زندگی فارغ از ستم ملی و استثمار را پدید آورده است. زحمتکشان تمام جهان و به ویژه خلق های کشورهای سوسیالیستی سابق به تجربه و به بهای بس کزاف دریافته اند که سوسیالیسم محصول انقلاب اکتبر حتی علی رغم تمامی کاستی ها و اشتباهات انجام شده در مسیر توسعه آن برساختار های تمثیلی سرمایه داری رجحان دارد.

اینکه زحمتکشان کشورهای سوسیالیستی سابق و به ویژه روسیه علی رغم تمامی تمهیدات جهان سرمایه داری و در شرایط بسیار دشوار حمایت خود را از نیروهای طرفدار اعاده نظام عادلانه سوسیالیستی به وضوح نشان می دهند، خود موید دست آوردهای اجتماعی اقتصادی سیاسی سوسیالیسم است.

ولی این جاذبه برتری سوسیالیسم نباید نیروهای معتقد به آن را از بررسی و تحلیل موشکافانه روندی که منجر به شکست تجربه ساختمان سوسیالیسم در اروپای شرقی کردید، باز دارد. مطالعه کلاسیک های مارکسیستی و بازگشت دقیق به آثار لنین درباره روند انقلاب سوسیالیستی و مسیر تحول انقلاب اکتبر مطمئناً اشتباهات و نقایص را مشخص خواهد کرد. این امری حیاتی است که هم اکنون آغاز شده است و اهمیت دارد که از سوی احزاب کارگری و کمونیستی تا سرانجام آن با جدیت دنبال شود. سهم و مقام احزاب کارگری- کمونیست حاکم در کشورهای سوسیالیستی به لحاظ احاطه به فاکت ها و حقایق تحولات این جوامع، در توفیق این تحقیق علمی که نتایج آن اهمیت فراوان برای ادامه روند طویل، بفرنج و پر از پیچ و خم گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم دارد، بسیار برجسته است. ما به سهم خود در این امر خطیر شرکت خواهیم داشت و معتقدیم که مبارزه بشریت برای استقرار جامعه ای که در آن عالی ترین تجلی های آزادی- برابری- همبستگی- حقوق بشر- عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست و صلح فراگیر در يك وحدت ناکسستی جریان خواهد داشت، ادامه خواهد یافت. انقلاب اکتبر همواره زنده و پویا است. آینده به سوسیالیسم تعلق دارد.

تردیدی نیست که دست اندرکاران مطبوعات صدها رحمت بلند بالا بر رفتگان مجلس نشینان خواهند فرستاد که در جنگل «ولایت فقیه»، آن قانون نویسان از این مجریان با حیاترند!

چندی پیش جنتی، عضو فقهای شورای نگهبان گفته بود که در جمهوری اسلامی اراده ولی فقیه بالاتر از قانون است و بدین وسیله خیال همه را از قانون گذاری آسوده کرده بود اما امروز چماق حزب الله به تنهایی عین قانون است! مخصوصاً اگر موتور سوار هم باشند و مانند سربازان گمنام امام زمان بعد از اجرای هر قانون کوچه بازاری غیبتان بزنند!

در رژیم «ولایت فقیه» مدتهاست که گردن کشی جای قانون را گرفته است و مردم زحمتکش ما قربانیان بی گناه آن می باشند. منافع عده معدودی عوام فریب و سودجو به جای همه چیز در جامعه عمل می کند و حکم می راند.

زمانی که در جدال منافع فردی، یاران دیروزی جمهوری اسلامی به دادگاه خیابانی حزب الله چماق دار کشانده می شوند از کدام قانون مدنی و از کدام حقوق انسانی و اجتماعی می توان در این جمهوری سخن به میان آورد؟ کسی چه می داند روزی که، در آینده نزدیک، مردم به حاکمیت اراده خود شکل قانونی دادند، همین ولی فقیه جمهوری اسلامی نیز ولایت خود را نفی کند تا حیات ضد مردمی خود را از خشم مردم نجات دهد. آیا می توان از گناه بنیانگذاران قانون جنگل به سادگی گذشت؟ آنانی که جامعه ما را به حکمرانی قانون کوچه بازاری تبدیل کرده اند پاسخ گوی اقدام های ضد مردمی خود در برابر تاریخ خواهند بود.

پیرامون ضرورت تشکیل جبهه واحد با شما در میان گذاشتیم و امروز نیز معتقدیم که برای تشکیل چنین جبهه ای می بایست هر چه زودتر نشستی از نمایندگان سازمان های مترقی و آزاد اندیش ایران تشکیل شود تا چارچوب، و برنامه عمل جبهه واحد در چنین نشستی مورد بحث و بررسی و سرانجام توافق نهایی قرار گیرد. حزب توده ایران به نوبه خود آماده هرگونه همکاری و همیاری در این زمینه است.

با درودهای رزمنده

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۷۴ آبان ماه

به آتش کشیدن کتاب فروشی «مرغ آمین» توسط به اصطلاح سربازان گمنام انقلاب! و اجتماع اخیر مجریان قانون جمهوری اسلامی در مقابل دفتر روزنامه «سلام» و تهدید مسوولین این نشریه به منظور داشتن آمادگی بیشتر برای برخوردهای وحشیانه در آینده، آخرین نمایش اجرای قانون مطبوعات از نوع جمهوری اسلامی در این زمینه نبوده است و در آینده نیز به همت چماق به دستان به اصطلاح حزب الله همچنان ادامه خواهد داشت تا مبادا در به کار بستن قانون توسط ضابطین یاد شده تعللی روی بدهد و رژیم «ولایت فقیه» به بی قانونی متهم شود!

البته کم نبودند مطبوعات و نشریاتی که با اجرای این قانون کوچه بازاری به تعطیل کشانیده شدند و از ادامه انتشار آنان به بهانه های واهی جلوگیری به عمل آمد. گردون، حراست، تکاپو، جهان اسلام و پیام دانشجو... از قربانیان شناخته شده آن بوده اند. نشریاتی مانند پیام هاجر و راه مجاهد... نیز فعلاً در صف انتظار این پرتگاه تاریک اندیشی قرار گرفته اند.

زمانی که در همین اواخر عده ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی را به عنوان قانون مطبوعات ارائه دادند و خواستار تصویب آن از سوی مجلس نشینان شدند، صاحبان اندیشه های مترقی در نشریات مختلف یک صدا اعلام کردند که طرح یاد شده بیشتر ضد مطبوعات است تا قانون مطبوعات! و به جای بدل حقوق به نشریات، سلب حقوق از آنان را مورد توجه قرار داده است و لذا نمی توان با چنین طرحی موافق بود و لازم است پس گرفته شود و به بایگانی سپرده شود. اما امروز که به جای نمایندگان مجلس، نمایندگان ولی فقیه (چماق داران حزب الله) به اجرای قانون من درآوردی خود پرداخته اند،

پاسخ حزب توده ایران...

می اندیشند، بیش از هر زمان دیگری ضرورت پیدا می کند و ما از هرگونه تلاشی برای فایق آمدن بر دشواری ها و پیش داوری هایی که در این راه وجود دارد، کوتاهی نخواهیم کرد. همان طوری که مطلع اید، حزب توده ایران اکنون مدتهاست که بر ضرورت وحدت نیروهای مترقی برای شکستن سد استبداد کنونی و طرد رژیم «ولایت فقیه» تأکید ورزیده است و تمام توان خود را در این راه به کار گرفته است. اگر به خاطر داشته باشید، ما در نامه ای که مدتها پیش برای دبیرخانه حزب ملت ایران ارسال داشتیم، نظرات مشخص خود را

به مناسبت ۷۸مین سالگرد انقلاب اکبر

آینده به سوسیالیسم تعلق دارد

در روز ۷ نوامبر ۱۹۱۷ (۱۶ آبان ماه ۱۲۹۶) کمیته انقلابی نظامی در فراخوانی که توسط لنین نوشته شده بود خطاب به تمامی شهروندان روسیه بشارت داد: «دولت موقت خلع شده است. قدرت دولتی به دست ارکان های شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد، کمیته نظامی انقلابی، که رهبری پرولتاریا و سربازخانه پتروگراد را به عهده دارد، سپرده شده است». بیانیه خواستار استقرار حکومت شورایی در سراسر کشور شد. این مقدمه تغییر شکر و دوران سازی بود که تاریخ بشریت را ماهیتاً دگرگون کرد.

پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکبر در روسیه به استقرار یک سیستم اجتماعی نوین منجر شد و یک دوره خیزش های انقلابی در اروپا و دیگر قاره ها را به دنبال داشت. تاریخ ۷ دهه اخیر نشان داده است که اثرات انقلاب اکبر فقط محدود به روسیه و یا سال های ۲۲-۱۹۱۷ نبود. با وقوع انقلاب اکبر جهان عملاً تغییریری برگشت ناپذیر یافت که روندهای تحولات پس از آن همگی به نوعی مهر این انقلاب را بر خود داشته و خواهند داشت. همانگونه که تحولات چند ساله اخیر نیز نشان داده است تغییرات سیاسی در اتحاد شوروی و روسیه به طرز ملموسی با سیر تحولات اصلی در جهان مربوط و مرتبط است. و به این دلیل است که بررسی انقلاب اکبر فقط به عنوان یک رخداد تاریخی در یک کشور جداگانه عملاً ما را از درک شرایط تاریخی که وقوع چنین تحولی را ممکن کرد باز می دارد و بررسی اهمیت آن از نظر روند جنبش انقلاب جهانی و نیز درس گیری از نقاط ضعف و قدرت آن غیر ممکن می شود. هم وقوع و هم اهمیت انقلاب اکبر را باید در بعد بین المللی آن بررسی کرد.

اواخر قرن نوزده میلادی همزمان با حداث یافتن تضاد پایه ای کار و سرمایه بود. در سال های پایانی قرن نوزدهم تا شروع جنگ جهانی اول، طبقه کارگر در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، به طور تقریبی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ درصد رشد کمی یافته بود. در آستانه ۱۹۱۴ پرولتاریای جهانی شامل ۹۰ میلیون کارگر بود و نسبت هسته مرکزی آن یعنی کارگران صنعتی، افزایش چشم گیری پیدا کرده بود، به موازات این رشد کمی پرولتاریا، سطح تشکل آن در آغاز قرن بیستم تغییر کیفی قابل توجهی یافته بود. سازمان های اتحادیه ای طبقه کارگر که در

مرحله قبل از این تشکیل شده بودند، به سلاح قدرتمندی در مبارزه طبقه کارگر برای بهبود شرایط کار و زندگی تبدیل شده بودند. در سال ۱۹۱۸ تعداد کل اعضای اتحادیه های کارگری بالغ بر ۲۱ میلیون نفر بود. کردان های سیاسی و آگاه طبقه کارگر نیز رشد چشم گیری کرده بودند. به هنگام شروع جنگ جهانی اول شمار افراد احزاب عضو بین الملل دوم (انترناسیونال دوم) بالغ بر ۴,۲۰۰,۰۰۰ نفر بود و بیش از ۱۰ میلیون نفر به کاندیداهای طرفدار این احزاب رای می دادند. لنین در این برهه نتیجه گیری مهمی را مبنی بر آمادگی سیستم امپریالیستی برای انقلاب سوسیالیستی و پختگی جنبش جهانی طبقه کارگر برای انجام رسالت تاریخی خود مطرح کرد.

جنگ امپریالیستی به پروسه بین المللی شدن شرایط زندگی و مبارزه پرولتاریا سرعت بخشید. شیوه شکل گیری و روند وقایع در سال های جنگ پیش شرط های عینی لازم برای ایجاد یک وضعیت انقلابی و رشد آن به یک بحران انقلابی را بوجود آوردند. جنگ، تضادهای سرمایه داری را تشدید کرد. مرگ میلیون ها نفر، پایین آمدن سطح زندگی مردم و افزایش قابل توجه سرکوب سیاسی از سوی طبقات حاکم همه باعث تشویق و تحریک مقاومت پرولتاریا شد. در چنین شرایطی وضعیت طبقه کارگر روسیه با خصوصیات ویژه اش امکان ایجاد کسب در زنجیره کشورهای امپریالیستی را، در روسیه فراهم کرد.

پرولتاریای روسیه علی رغم ضعف کمی و همچنین عقب بودن آن از نظر آموزش در مقایسه با طبقه کارگر دیگر کشورهای سرمایه داری پیشرفته از تجربه سیاسی بسیار غنی بهره مند بود و به سنت های انقلابی ۱۹۰۷-۱۹۰۵ (دورانی که قابلیت خود را به رهبری و هدایت توده های دهقانی به نمایش گذارده بود) متکی بود. مهم تر از همه این که طبقه کارگر روسیه مسلح به یک سازمان انقلابی رزم دیده، حزب لنین، حزب بلشویک ها، بود که آمادگی و قابلیت خود را برای هدایت طبقه کارگر در مبارزه تعیین کننده برای کسب قدرت دولتی در طول بیش از دو دهه مبارزه سیاسی به اثبات رسانده بود.

روسیه در حالی که یک کشور با سطح متوسط توسعه سرمایه داری بود با دیگر قدرت های امپریالیستی تفاوتی مشخص داشت. لنین در این باره گفت: واقعیت روسیه، با تضاد «عقب مانده ترین سیستم زمینداری و نادان ترین دهقانان از یکسو و پیشرفته ترین سرمایه داری مالی و صنعتی از سوی دیگر» به طور برجسته ای قابل تعریف است. باوجود این که روسیه از نظر سطح تولید صنعتی بسیار عقب تر از فرانسه، بریتانیا، آلمان و ایالات متحده بود در

همان حال از نظر انحصاری بودن برخی رشته های صنایعش تنها از آلمان و ایالات متحده عقب مانده تر بود. در ۱۹۱۳ حدود ۲۰۰ انحصار سرمایه داری بر اقتصاد روسیه مسلط بودند. در ۱۹۱۷ از نظر بافت جمعیتی روسیه عمدتاً یک کشور دهقانی بود. جمعیت کل آن در آستانه جنگ ۱۵۹,۲۰۰,۰۰۰ بود که ۱۸ درصد آن در شهرها و ۸۲ درصد بقیه در دهات زندگی می کردند. در ۱۹۱۷ تعداد کارگران مزدبگیر ۱۸,۵۰۰,۰۰۰ بود که ۳,۵۴۵,۰۰۰ آن را کارگران صنعتی و هسته پرولتاریای روس تشکیل می دادند. ویژگی این ترکیب جمعیتی این بود که پرولتاریا، علی رغم تعداد نسبتاً محدود یک نیروی سیاسی و اجتماعی قابل توجه را تشکیل می داد که از نظر کیفی قابل مقایسه با میلیون ها دهقان پراکنده نبود. این ویژگی سیاسی به طور عمده محصول تمرکز بالای طبقه کارگر در مراکز مهم کشور و در کارخانه های بزرگ بود.

پرولتاریای روسیه در دوره تاریخی مشخصی با بهره گیری از مجموعه شرایط عینی و ذهنی مساعد حرکت تاریخ ساز خود را آغاز کرد. اگر کارگران فرانسوی در کمون پاریس در سال ۱۸۷۱ یک مرحله جدید در مبارزه طبقه کارگر را آغاز کردند، انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه پیروزمندانه حمله به نظم کهنه را سازمان داد.

انقلاب سوسیالیستی اکبر در یک کشور واحد پیروز شد ولی این رخداد دارای اهمیتی بین المللی بود. از بین بردن سلطه زمینداران فئودال و سرمایه داری در روسیه به این معنی بود که طبقه کارگر جهانی در عمل روند پیروزی بر آخرین سیستم اجتماعی مبتنی بر مالکیت خصوصی وسایل تولید را آغاز کرده است. در مورد جنبه بین المللی توسعه انقلاب، لنین نقش روسیه را در روند انقلاب جهانی براساس درک ارتباط بین وظایف ملی و بین المللی پرولتاریا تحلیل کرد و گفت: «افتخار عظیم شروع انقلاب به عهده پرولتاریای روسیه گذاشته شده است».

علی رغم تمام فراز و نشیب های بعدی، اهمیت دوران ساز انقلاب اکبر و اثرات عمیق آن در تغییر نظم اجتماعی جهان به جای خود باقی خواهد ماند. با احتساب کمون پاریس، انقلاب اکبر دومین جهش عظیم و دوران ساز طبقه کارگر در جهت توسعه و ساختمان سوسیالیسم شناخته می شود.

لنین گفت: «تاریخ بشریت این روزها یک تغییر بسیار دشوار و خطیر را به انجام می رساند، چرخشی که می توان گفت بدون کمترین اغراقی اهمیت بیکران برای رهایی جهان

ادامه در ص ۷

NAMEH MARDOM: No:465
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

1- Postfach 100644 , 10566 Berlin, Germany
2- B.M.Box 1686, London WC1N 3XX, UK

7 November 1995

شماره فاکس ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

